

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۳۰ _ بخش دوم: سوال فرشتگان اعتراضی یا استفهام
مؤیدات اعتراض و توجیه اعتراض و بررسی آنها
شواهد استفهام حقیقی
تاریخ: ۲۸ آبان ۱۳۹۸
مصادف با: ۲۱ ربیع الاول ۱۴۴۱
جلسه: ۱۱

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

خلاصه جلسه گذشته

بحث درباره سوالی است که فرشتگان و ملائکه بعد از اعلام خلافت انسان از خداوند پرسیدند «قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ».

عرض کردیم که جهاتی درباره این سوال قابل طرح است. یک جهت را دیروز عرض کردیم و متعرض جهت دوم هم شدیم که شاید یک جهت مهمی است و آن اینکه بالاخره این سوال فرشتگان آیا جنبه اعتراض و انکار و یا به تعبیری اظهار تفاخر است و یا صرفاً استفهام و استعلام ناشی از نا آگاهی و ندانستن است؟

ادامه بررسی مؤیدات اعتراضی بودن سوال فرشتگان

عرض کردیم مؤیداتی وجود دارد که اعتراضی بودن این سوال را تقویت می‌کند. یک مؤید را دیروز گفتیم که روایاتی است که در آنها تعابیری همچون توبه، ندامت، استغفار و غضب خداوند و امثال این‌ها درباره فرشتگان به کار رفته. سه مؤید دیگر هم بر اعتراضی بودن سوال ملائکه قابل ذکر است.

مؤید دوم

یکی از مؤیدات به تعبیر برخی از مفسران از جمله صاحب المنار^۱ تأکیدهای مکرری است که در گفتگوی آنها با خداوند به کار رفته. این تأکیدها برخی معنوی و برخی لفظی هستند. مثلاً تأکید با «إِنَّ» در آیات بعدی یا تأکید به عنوان «علیم و حکیم» و اطلاقش بر خداوند تبارک و تعالی که کأنّ کاری که خدا کرده بر اساس علم و حکمت بوده و گویا این‌ها از اعتراض خودشان نادم و پشیمان بودند. یا تعبیر به سبحانک که یک تأکید معنوی است. آوردن ضمیر فصل أنت، آوردن جمله اسمیه؛ مجموع این تأکیدها همگی گواه این است که آنان معترض بوده از اعتراضی که نسبت به اعلام خلافت انسان داشتند، به نوعی پشیمان بودند و در صدد جبران بر آمدند. لذا این هم به نوعی یک مؤید نه چندان قوی بر اعتراضی بودن این سوال است.

مؤید سوم

۱. المنار، ج ۱، ص ۲۶۴.

مؤید سوم نحوه گفتگوی خداوند با ملائکه است. خداوند در برابر سخن این‌ها که گفتند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ» در آیه بعدی می‌فرماید: «أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»، اگر شما راست می‌گویید و در اعتقاد خودتان صادقید از اسماء این‌ها به من خبر بدهید. این نحوه احتجاج با ملائکه به نوعی حاکی از این است که گویا سوال آن‌ها سوالی ناپسند بوده. این نوع سخن گفتن در عرف هم رواج دارد که نشانه آن است که این یک کار ناپسندی است.

مؤید چهارم

مؤید چهارم این جمله «وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ» است،^۱ اینجا کأن آیه دارد بیان می‌کند که ملائکه بعد از اعلام جعل خلافت توسط خداوند گفتند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ». اگر این جمله اخیر نبود و صرفاً می‌گفتند می‌خواهی کسی را قرار بدهی که اهل افساد و سفک دماء است، این می‌توانست جنبه استفهامی داشته باشد (البته اینکه از کجا خبر داشتند که انسان اهل این چیزها است یک مطلب دیگر است) اما وقتی در کنار این جمله می‌گویند در حالی که ما اهل تسبیح و تقدیس تو هستیم به قول مرحوم طبرسی مانند این است که گفته شود: «أَتُحَسِّنُ إِلَى فُلَانٍ وَ أَنَا أَحَقُّ بِالْإِحْسَانِ» یعنی کسی به دیگری بگوید تو داری به فلانی خوبی می‌کنی در حالی که من مستحق تر هستم برای نیکی کردن. پس این جمله ملائکه حاکی از اعتراض است. مجموعاً ملاحظه فرمودید که چهار مؤید بر اینکه این سوال اعتراض است و یا انکار وجود دارد.

توجیه اعتراض ملائکه

برخی اعتراضی بودن این سوال را پذیرفته اند اما در پاسخ و در توجیه اینکه چطور می‌تواند این اعتراض با مقام عصمت ملائکه سازگار باشد، به توجیهاتی روی آورده اند:

توجیه اول

یک توجیه این است که این در واقع گناه و نافرمانی نبوده، بلکه ترک اولی بوده است مانند آدم ابوالبشر که نبی خدا بود ولی از دستور خدا سرپیچی کرد و نزدیک به شجره ممنوعه شد. ترک اولی غیر از نافرمانی و معصیت است و آن چیزی که با مقام عصمت سازگار نیست، نافرمانی و گناه است. ترک اولی یعنی آن چیزی را که شایسته بوده را ترک کرده. البته ترک اولی با اینکه گناه و معصیت شمرده نمی‌شود، اما در عین حال عوارض و عقوبت خاص خود را دارد و ما نمونه هایی از ترک اولی را در داستان انبیاء مشاهده می‌کنیم.

توجیه دوم

توجیه دیگر این است که مسئله عصمت درباره فرشتگان مربوط به طیف خاصی از ملائکه است نه همه ملائکه، چون ملائکه دو دسته اند، یک دسته آن‌هایی اند که به تعبیر قرآن «لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»، یعنی امکان ندارد

۱. المنار، ج ۱، ص ۲۶۴.

که آن‌ها بدون اذن خدا چیزی بگویند و هر کاری هم که می‌کنند به امر خدا است چون آن‌ها بندگانی اند که مورد تکریم خدا قرار گرفته اند. اما غیر از این گروه دسته ای از ملائکه هستند که در مرحله متوسط و نازل تر قرار دارند. در واقع همه ملائکه در عرش الهی جای ندارند بلکه ملائکه بسیار مقرب به حق تعالی در عرش مستقر می‌باشند. اگر بگوییم خدا به آن ملائکه مقرب خلافت را اعلام کرده و آن‌ها در پاسخ به خداوند عرض کردند «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ»، این نمی‌تواند منظور باشد چون فرض این است که آن‌ها این اعتراض را نداشتند. پس باید بگوییم آن طیف متوسط از ملائکه و یا ملائکه و فرشتگانی که بعد از انقراض جن بر زمین حاکم شدند، آن‌ها این سوال اعتراضی را مطرح کردند.

این دو توجیهی بود که آن‌ها برای رهایی از آن معذور ذکر کردند.

شواهد استفهامی بودن سوال فرشتگان

اما مجموعاً به نظر می‌رسد که سوالی که فرشتگان در اینجا مطرح کردند، سوالی اعتراضی و انکاری نیست و برای اظهار تفاخر نبوده بلکه حقیقتاً استفهام کردند از خداوند.

دلیل اول: مرحوم علامه طباطبایی برای اینکه تأیید کند این سوال ملائکه اعتراضی نبوده، استشهاد می‌کند به «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»^۱ که در ادامه گفتگو آمده است. ایشان ادعا می‌کند که همین که این‌ها به خدا اینچنین عرض می‌کنند، خودش شاهد بر این است که سوال ملائکه نشانه اعتراض نبوده.

بررسی: ولی این نمی‌تواند انکاری نبودن یا اعتراضی نبودن سوال ملائکه را نشان دهد چون این جمله را ملائکه بعد از آن گفتند که خداوند به آن‌ها توضیح داد ولی اگر قبلاًش می‌گفتند این می‌توانست به عنوان شاهد بر اعتراضی نبودن باشد. آنچه که اجمالاً می‌توانیم برای تأیید یا اثبات حقیقی بودن استفهام ملائکه ذکر کنیم و پاسخی باشد در برابر آن مؤیداتی که برخی ذکر کردند که این سوال اعتراضی است:

۱. عصمت فرشتگان اقتضاء می‌کند که این سوال، سوال اعتراضی نباشد. یعنی وقتی ما می‌گوییم که فرشتگان معصوم اند و عقل محض اند، یعنی در آن‌ها امکان معصیت وجود ندارد و این‌ها موجودات مجردی هستند که جز اطاعت در سرشتشان قرار داده نشده. اینکه این‌ها عصمت دارند و اهل معصیت نیستند نکته ای است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۲. اینکه اساساً آن اطاعت و عصیانی که در ذهن ما است و در عالم انسان‌ها مطرح است، بین آن‌ها مطرح نیست. اطاعت و عصیان در حوزه تشریح معنا پیدا می‌کند، یعنی قانون‌گذاری صورت گرفته، قوانین و امر و نهی‌هایی وجود دارد، اگر با این اوامر و نواهی موافقت شود یا مخالفت شود، اینجا اطاعت و عصیان معنا پیدا می‌کند. عالم ملائکه عالمی نیست که در آن تشریح و قانون‌گذاری و در نتیجه ثواب و عقاب مطرح باشد.

۱. سوره بقره، آیه ۳۲.

۳. در همین آیه گفته شده که ملائکه اهل تقدیس و تسبیح خداوند بودند. تسبیح و تقدیس نسبت به خداوند حاکی از این است که آن‌ها خداوند را از هرگونه نقص میرا می‌دانستند و می‌دانستند که از خدا هیچ فعل ناشایستی سر نمی‌زند. اینکه آن‌ها تسبیح و تقدیس می‌کردند خدا را نشان دهنده این است که آن‌ها اعتقاد داشتند که خدا بی نقص است. لذا نتیجه این سه مطلب این است که نمی‌تواند سوال ملائکه اعتراضی یا انکاری باشد.

بررسی مؤیدات اعتراضی بودن سوال فرشتگان

بررسی مؤید اول: مؤید اولی که آن‌ها ذکر کردند روایات بود، این روایات نوعاً ضعف سندی دارند و مرسله هستند و در منابع معتبر و جوامع صحیح روایی وارد نشده‌اند و قهراً ما به روایات ضعیف و مرسله نمی‌توانیم اعتماد کنیم. **بررسی مؤید دوم:** اما تأکیدی که در آیات بعدی ذکر شد، هیچکدام دلیل بر اعتراضی بودن نیست و آن آیات حتی با اینکه سوال ملائکه حقیقی هم باشد سازگاری دارد. مثلاً ضمیر فصل أنت در «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» که با تأکید می‌گویند تو علیم و حکیم هستی.

بررسی مؤید سوم: اما آن مؤید بعدی که مطرح کردند که خداوند در مقابل سوال آن‌ها و در مقام احتجاج به آن‌ها فرمود «أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»، این هم دلیلی بر اعتراضی بودن نمی‌شود؛ کأن این‌ها در حد علم و ظرفیت و آگاهی خودشان گفتند داری کسی را خلق می‌کنی که اهل افساد و سفک دم‌آلود است در حالی که ما داریم تسبیح می‌کنیم. خداوند هم برای اینکه عجز علمی آن‌ها را ثابت کند چنین چیزی را فرمود. پس این هم نشان دهنده اعتراضی بودن استفهام ملائکه نیست.

بررسی مؤید چهارم: مؤید چهارم این بود که ملائکه گفتند «نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ» و این مانند آن است که گفته شود أ تُحَسِّنُ إِلَى فُلَانٍ و أَنَا أَحَقُّ بِالْإِحْسَانِ، ولی این هم مؤید اعتراضی بودن نیست و این با استفهام حقیقی هم سازگاری دارد. چون معنای این جمله این است که ما تو را بی عیب و بی نقص می‌دانیم و از هرگونه فعل قبیح منزّه هستی و ما اینجا یقین داریم که کار تو بی حکمت نیست و کأن اذعان می‌کنند به بی عیب بودن فعل خدا و از خدا مطالبه می‌کنند حکمت این کار را که چرا انسان خلیفه شده است.

بررسی توجیهات اعتراض فرشتگان

توجیه اول بر فرض اعتراضی بودن شاید تا حدودی قابل قبول باشد و برخی از مفسرین مثل صاحب تفسیر آلاء الرحمن این را به عنوان ترک اولی گفته، اما توجیه دوم قابل قبول نیست. یعنی چاره نداریم که بگوییم ملائکه ترک اولی کردند اما اینکه بگوییم فرشتگان به اقسامی تقسیم می‌شوند که عده‌ای از آن‌ها اهل معصیت بودند، چنین چیزی قابل قبول نیست و این آیه إِبَاءَ از تخصیص دارد هرچند اگر ما قائل به عصمت تمام ملائکه نشویم، اما این‌هایی که با خداوند گفتگو کردند معصوم بودند و معلوم می‌شود که جایگاهشان هم در عرش الهی بوده.

۱. تفسیر آلاء الرحمن، ص ۸۳.

لذا مجموعاً به نظر می‌رسد که این سوال و استفهام در اینجا حقیقی است.

«والحمد لله رب العالمین»